

ضرورت تقویت فرهنگ شورایی

شهرام پارسا مطلق

نهادهی که سعی در حل مشکلات و آبادانی شهر و منطقه آنها دارد، بنگرند؟

ما بر این باوریم که شورا به عنوان یک پارلمان محلی جهت اداره امور یک شهر، روستا یا منطقه با رأی و نظر مردم همان منطقه است و انتخاب اعضای آن بر طبق قانون اساسی از طریق انتخابات می باشد و این بدین معناست که افراد شورا با داشتن بینش سیاسی خاص خود نباید عرصه شوراها را که عرصه خدمت گذاری به مردم می باشد به محل سیاسی کاری، جنجال های سیاسی و تصفیه حساب های شخصی تبدیل کنند.

از دیگر مشکلات شوراها در دوره قبل مشخص نبودن وظایف، اختیارات و مسئولیت ها به طور کامل و شفاف می باشد. نداشتن تجربه و عدم نهادینه شدن فرهنگ شورایی به علاوه چار و جنجال میان احزاب و گروه ها، مجلس و سایر نهادها، وجود اقلیت قدرتمندی که به جمهوریت نظام اعتقادی ندارد و رأی و نظر مردم را تشریفاتی و در بعضی موارد به هیچ می گیرد، به علاوه مواردی که قبلاً به آنها اشاره کردیم، مجموعاً سبب دلسردی و کاهش مشارکت نسبی مردم در انتخابات شد.

توسعه و تقویت فرهنگ شورایی به عنوان یک نهاد مدنی سبب استوار گردیدن پایه های حق حاکمیت مردم، نظارت بر اداره امور کشور توسط مردم، فروریختن دیوارهای تک صدایی و گسترش تفکر و عقل جمعی می گردد.

باشد که با فرهنگ سازی در حوزه شوراها و گسترش فرهنگ مردم سالاری و شورا که یک اصل قانونی، عقلانی و دینی می باشد، جهت ساختن جامعه ای سالم، آزاد، آباد و مردم سالاریا توسعه همه جانبه (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) استان یکدیگر را افزایش

من درد مشترکم، مرا فریاد کن

حرف خویش را قاطعانه بازگو نموده است؛ به راستی رأی، سخن خاموش ملت بزرگ و سرفرازی است که در بهمن ماه ۵۷ به استبداد نه بزرگی گفت و در دوم خرداد سال ۷۶ بار دیگر بر آرمان های اولیه انقلاب یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی پافشاری کرد و خاطر نشان نمودند که از یک سونگری، انحصار طلبی و تمامیت خواهی خسته اند و به گروه معدود قدرتمندان در قدرت این اجازه را نخواهند داد تا قرائت خویش از اسلام و انقلاب را بر دیگران تحمیل نموده و فقط آن را اسلام و انقلاب واقعی بدانند.

به راستی دلیل کاهش شرکت مردم به طور نسبی (در اکثر مناطق) در دوره دوم انتخابات شوراها چیست؟

نگارنده معتقد است شهروندانی که جنجال ها و تصفیه حساب های سیاسی در شوراها در دوره قبل را (در بعضی جاها و بخصوص پایتخت که در نهایت منجر به انحلال شورای شهر تهران شد) دیده اند، چگونه می توانند به شوراها به عنوان

نهم اسفند ماه هم گذشت، دومین دوره انتخابات شوراها که به عنوان آخرین خانه تکانی سیاسی سال با توجه به رخدادهای اخیر کشور و منطقه از اهمیت خاصی برخوردار بود، انجام شد. خیلی نوشتیم، بسیار نطق انتخاباتی ایراد کردیم، همه گروه ها مدعی دفاع از حقوق مردم بودند و حالا کدام گروه و چقدر در ادعای خود صادق بودند، خدایمانند، از مشارکت مردم و حق تعیین سرنوشت انسان ها توسط خود آنها، مردم سالاری در عمل و این که حاکمیت حق مردم است، سخن رانیدیم، بعضی گفتیم دوم خردادی هستیم و بعضی مستقل، متخصص و مردمی بودن مان را برای مسایل سیاسی و حزبی به رخ رقیبان کشیدیم، بعضی ها احساسات قومی و ملیت پرستانه را تقویت کردند.

در لایه های بالاتر از تضارب آرا و افکار و جامعه مدنی و ملزومات آن یاد کردیم گاهی وقت ها که از شعارهای گوناگون خسته می شدیم، دست به دامان مرحوم تخصص می شدیم که با معضل مدرک گرایی در کشور ما تقریباً (نه به طور کامل) باید فاتحه اش را خواند و...

هر چه بود گذشت اما بر خلاف تصور، مشارکت آن طور که انتظار می رفت نبود. در استان های مهم و پرجمعیت مثل تهران و اصفهان و... مشارکت مردم نسبت به انتخابات گذشته بسیار کمتر بود. آیا دست اندرکاران سیاسی، احزاب، گروه ها و عقلائی قوم به دلیل کاهش مشارکت مردم اندیشیده اند؟

ملت بزرگ و سرافراز ایران با کوله باری از فرهنگ و هویت در عرصه های مختلف تاریخی

